

## ویژگی‌های جامعه مطلوب اسلامی

جامعه اسلامی عمل کند در اینجا به خصوصیات اصلی رهبر جامعه اسلامی با توجه به قرآن و با اختصار اشاره می‌کنیم: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» رهبر جامعه اسلامی باید در درجه اول از بینشی وسیع و آگاهی کافی نسبت به اسلام برخوردار باشد؛ رهبر باید امین بر جان و مال مردم بوده و مجری احکام الهی باشد. همچنین بتواند عدالت اسلامی را در بین افراد پیاده کند که لازمه این امر آن است که او خود از آلودگی به گناه و ستم به دور بوده انسان وارسته و منزهی باشد. از خصوصیات دیگر او این است که باید مدیریت و تدبیر لازم برای اداره جامعه را داشته باشد دارای شجاعت بوده هیچ گونه ترس و واهمه‌ای از دشمن نداشته باشد.

او باید با صراحت، برنامه‌ها و اهداف خود را اعلام کند تا هم خود و هم افراد جامعه از آن برنامه‌ی روشن پیروی کنند نه اینکه هاله‌ای از ابهام هدف و روش آنها را فرا گرفته باشد و هر کدام به سویی بروند. از دیگر صفات رهبر جامعه اسلامی این است که همیشه فردی شناخته شده به نیکبها باشد که اگر غیر این باشد بهانه‌ای به دست منافقان می‌افتد که دعوت شناخته شده اسلام را به خاطر ناشناخته بودن رهبر نادیده بگیرند و انکار کنند.

دیگر اینکه او هرگز در مسیر خود تسلیم هوسهای مردم نمی‌شود و بر تمایلات عمومی به طور مطلق صحنه نمی‌گذارد؛ او در ترویج مکتب حق اصرار می‌ورزد هر چند ناخوش آیند گروه کثیری باشد.

### اصالت دادن به حق در جامعه نه به اکثریت

فطرت و شهوت به عنوان دو عامل ذاتی و غیراکتسابی در تمام انسانها وجود دارد با توجه به اینکه حاکمیت فطرت تنها با انجام تکلیف و دستورات الهی امکان‌پذیر است اغلب مردم در این مورد توفیق پیدا نمی‌کنند، قرآن مجید و سایر آموزش‌های اسلامی سعی دارند این واقعیت را بازگو نمایند و از اینکه انسانها تطابق با اکثریت را به عنوان معیار زندگی عادی بپذیرند هشدار دهند.

در قرآن مجید آمده است «اکثریت هم یجهلون: اکثریت در جهل هستند»، «ما یتبع اکثرهم الاظنا: جز از گمان خود پیروی نمی‌کنند»، «اکثرهم لایعقلون: اکثریت تعقل نمی‌کنند»، «اکثرهم کاذبون: اکثریت دروغگو می‌باشند»، «اکثرهم لایعلمون: اکثریت علم و آگاهی ندارند»، «اکثرهم لایؤمنون: اکثریت ایمان ندارند» و ... این برداشت می‌تواند به عنوان نوعی واکنش‌ساز تلقی شود

جامعه مجموعه‌ای از افراد انسانی است که جهت مشترکی آنها را بهم پیوند دهد. در قرآن مجید از آن به امت تعبیر شده است و این اشتراک می‌تواند در دین یا آئین، زمان و عصر واحد یا مکان معین باشد یا هر چیز دیگر.

امت از نظر قرآن همان جامعه مطلوبی است که مسلمانان به دنبال آن هستند. و در پی تحقق این جامعه است که مدینه فاضله برای انسانی که قصد رشد در این جهان را دارد ظهور می‌یابد این جامعه که صفت واحد برای آن ذکر شده در پناه یک پروردگار یگانه و هدف مشخص شکل می‌گیرد که دارای برنامه‌ای دقیق و حساب شده است

به وضوح می‌توان دریافت که جامعه مطلوب در قرآن جامعه‌ای است که بر اساس احکام اسلام بنا نهاده شده است؛ که خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد و هدف از نوشتن این مقاله قسمتی از این ویژگی‌ها در حد اشاره است.

### رهبر و جامعه

یکی از لوازم لاینفک جامعه وجود رهبر برای آن است. قبول زندگی جمعی در حیات انسان‌ها نمی‌تواند از مسأله رهبری جدا باشد چرا که برای مشخص کردن خط اصلی یک جمعیت همیشه نیاز به رهبر و پیشوایی است. اصولاً پیمودن راه تکامل بدون استفاده از وجود رهبر ممکن نیست و سرآرسال پیامبران و انتخاب اوصیاء برای مردم همین است. در علم عقائد و کلام نیز با استفاده از قاعده لطف و توجه به نقش رهبر در نظم جامعه و جلوگیری از انحرفات بعثت انبیاء و لزوم وجود امام در هر زمان اثبات شده است. اما به همان اندازه که یک رهبر الهی و عالم و صالح راه وصول انسان را به هدف نهایی آسان و سریع می‌کند تن دادن به رهبری ائمه ی کفر و ضلال، او را به پرتگاه بدبختی و شقاوت می‌افکند. بنابراین در یک جامعه مطلوب هیچ چیز به اندازه ی ولایت و رهبری اهمیت ندارد چرا که اجرای اصول دیگر در سایه آن میسر خواهد بود. «أَنْتَ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» البته خداوند برای هر عصر و زمانی رهبری برای نجات و هدایت انسانها قرار داده است چرا که حکمت او ایجاب می‌کند فرمان سعادت بدون ضامن اجرا نباشد اما مهم این است که مردم رهبرشان را بشناسند و در دام رهبران گمراه و فاسد گرفتار نشوند که نجات از چنگالشان دشوار است.

### ویژگی‌های رهبر

ولایت و رهبری در قرآن و اسلام مقام خلافت الهی است و رهبر به عنوان خلیفه الله باید بر اساس احکام الهی و بنابر مصالح

که پیشاپیش افراد جامعه نسبت به این واقعیت نامیمون هشدار داده شوند تا زمام فکر خود را بدون کنترل به دست اکثریت نسپارند بلکه به تعقل خویش اتکا نمایند و در صورتی که در این منجلاب غوطه‌ورند خود را از آن خارج نمایند و در قرآن مجید هشدار داده شده‌است که چنانچه انسان از اکثریت پیروی نماید آنها او را از راه خدا منحرف می‌سازند و ضمن آنکه در شرایط اختصاصی موجب اشاعه فساد می‌شود، مانع بروز استقلال و خلاقیت نیز می‌گردد بنابراین فرد ضمن انجام وظیفه در محیط اجتماعی برای اصلاح جامعه اقدام کند نه اینکه به رأی اکثریت قانع باشد.

### برنامه‌ریزی و ثبات در اجرای آن

یکی از مواردی که در تشکیل و تثبیت جامعه مطلوب و اسلامی نقش اساسی دارد؛ لزوم برنامه‌ریزی برای هر گونه انقلاب فرهنگی، فکری، اجتماعی و تربیتی برای آن است. چرا که اگر چنین برنامه‌ای تنظیم نگردد و در مواقع مختلف هر کدام به موقع خود پیاده نشود شکست فرهنگی جامعه قطعی است و نیز نباید انتظار داشت که مخصوصاً در مرحله‌سازی یک جامعه از نظر فکری، فرهنگی یا اقتصادی و سیاسی یک شبه همه چیز اصلاح گردد.

از نظر اجتماعی پیشرفت هر برنامه مؤثری تنها در سایه ثبات امکان‌پذیر است و به همین دلیل تمام کوشش تخریب‌کنندگان جامعه اسلامی برای از میان بردن ثبات به کار می‌رود.

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ»

### الگوهای برتر برای جامعه‌ی مطلوب

قرآن مجید و سایر آموزش‌های اسلامی الگوهای نمونه‌ای را به جوامع بشری ارائه نموده و از پیروان خود می‌خواهند که آنها را سرمشق خود قرار داده و از آنها پیروی نمایند. پیروی از این افراد از آن جهت که هم فرد و هم جامعه را به رشد می‌رساند به کرات مورد تأکید قرار گرفته‌است و در هر قسمت قرآن که از این حکایت دیده می‌شود صریحاً ذکر گردیده‌است که منظور از ذکر آنها تقویت نیروهای فکری و آمادگی بیشتر برای زندگی و تفکر در حال اقوام گذشته و عبرت گرفتن می‌باشد و جز خردمندان از این حکایات عبرت نخواهند گرفت.

این امر بدیهی است که هر فرد و جامعه‌ای خود مسئول اعمال خویش می‌باشند و منظور از ذکر حکایات اقوام پیشین تأکید بر جنبه‌های مثبت و آموزنده و نشان دادن جنبه‌های انحرافی و علل آنها می‌باشد.

در قرآن مجید روش کلی پیامبر اکرم (ص) همچنین سبک و روش زندگی حضرت ابراهیم (ع) به عنوان الگوی شایسته و سرمشق جامعه اسلامی صریحاً مورد تأکید قرار گرفته‌است.

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»

در قرآن مجید صریحاً تأکید شده‌است که جوامع بشری موظفند دقیقاً روش پیامبر اسلام را دنبال نمایند و حق ندارند از آن تخطی کنند و به خیال خود از دستورات الهی جلو بیفتند بلکه باید همواره دنباله‌رو پیامبران باشند و آنها را سرمشق خویش قرار دهند. (اسلام را از آنطرف پیشین که در متابعت‌های نادرستی بدون دلیل از پدران خود می‌نمودند می‌داند و آنرا محکوم می‌نماید و جامعه بشر را از پیروی بدون استدلال از افرادی در مسیر توحید نیستند و عملاً تعقل نمی‌کنند و هدایت نیافته‌اند باز می‌دارد).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»

به وسیله امر به همانند سازی با الگوهای نمونه و آموزش‌های بسیار گسترده‌ی اخلاقی این مکتب از هر یک از پیروان خود متوقع است که برترین افراد جامعه باشند. وقتی هر یک از افراد جامعه سعی نمایند که بهترین فرد باشند در نتیجه جامعه به صورت یک میدان مسابقه همگانی در راه بهترین شدن در می‌آید. این آموزش حتماً به عنوان یک محرک قوی می‌تواند در رشد و تکامل افراد وارد عمل شده و جامعه را به حد اعلی برساند.

### تکامل انسان در جامعه‌ی اسلامی

برخی از موجودات جهان به سوی تکامل می‌روند، و در مورد انسان نوع تکاملش در دل اجتماع صورت می‌گیرد به همین دلیل ذاتاً اجتماعی آفریده شده‌است از طرفی اجتماع در صورتی می‌تواند پرورش و تکامل انسان را تضمین کند که دارای احکام و قوانین منطقی باشد و افراد مجتمع در پرتو احترام به آن قوانین امور خود را سامان دهند و از تضادها پیشگیری کنند، حدود و مسئولیت‌ها را مشخص نمایند و به تعبیر دیگر اگر جامعه انسانی صالح گردد افراد می‌توانند به هدف نهایی خویش در آن برسند و اگر فاسد شود افراد از این تکامل باز می‌مانند.

این احکام و قوانین اعم از قوانین اجتماعی و یا عبادی در صورتی مؤثر خواهد بود که از طریق نبوت و وحی آسمانی گرفته شود. بنابراین تا جامعه انسانی برپاست و زندگی او در این جهان ادامه دارد تکالیف الهی هم ادامه خواهد داشت و برچیده شدن بساط تکلیف از انسان، مفهومی فراموش کردن احکام و قوانین و نتیجه‌اش فساد مجتمع انسانی است.

اگر انسان دست از انجام تکالیف خود بردارد فوراً جامعه رو به فساد خواهد گذاشت و در چنین جامعه‌ای چگونه یک فرد کامل می‌تواند زندگی کند.

جامعه بزرگی که انسان در آن زندگی می‌کند از یک نظر همچون خانه اوست و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود. پاک‌ی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی‌اش. لذا فرد برای رسیدن به سعادت به جامعه‌ای نیاز دارد که از هر

جهت او را در این هدف به موفقیت برساند.

### خصوصیات افراد در جامعه مطلوب

بر اساس ضوابط قطعی فرهنگ اسلامی رفتار انسان برای خود و دیگران نباید مضر باشد و حتی فکری را که سلامت خود و جامعه را مختل نماید نباید به خود راه دهد. به این ترتیب از تمام گناهایی که به صورت تجاوز به حقوق خود و حقوق دیگران در آموزش‌های اسلامی تحت عنوان ظلم به نفس و حق الناس مطرح شده‌اند باید خودداری شود.

لزوم خودداری از ظلم به نفس و تجاوز به حقوق اجتماعی صرفاً جنبه پیشنهاد ندارد بلکه در صورت عدم مراعات این دستورالعمل مجازات‌های قانونی به صورت انجام حدود و قصاص در مورد فرد پیاده می‌شود و علاوه بر آن مجازات‌های اخروی نیز در انتظار فرد می‌باشد.

اصولاً انسان باید در رابطه با دیگران خود را معیار قرار دهد و هر کار که مورد علاقه‌اش است در مورد دیگری آن را انجام دهد به تعبیر دیگر، هر چه برای خود می‌پسندد برای دیگران هم بپسندد. اگر چنین برخوردی در فرد مشاهده شود قضاوت‌های او مورد پذیرش دیگران قرار می‌گیرد و وجود این جنبه، وجدان مشترک را در کلیه افراد جامعه به وجود می‌آورد و در حسن روابط فردی و ایجاد تفاهم و امنیت در جامعه نهایت اهمیت را دارد.

### امنیت و آرامش جامعه

یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه‌ی مطلوب وجود امنیت برای آن است. در داستان حضرت یوسف می‌خوانیم حضرت یوسف به پدر و برادرانش گفت: «به سرزمین مصر درآید که آن شاء الله بعد از این ایمن خواهید بود»<sup>۱۳</sup>

امنیت، ریشه‌ی همه نعمت‌هاست و حقاً چنین است زیرا هر گاه امنیت از میان برود سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن نه اطاعت خداوند مقدور است نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی خاطر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد اهداف اجتماعی.

باید توجه داشت که برای داشتن جامعه‌ای خالی از کشمکش و دغدغه ابتدا باید آرامش افراد آن تأمین شود. یک دستور کلی وسازنده که واقعاً با به کار بستن آن افراد به آرامش می‌رسند یاد خداوند است. «الا بذکر الله تطمئن القلوب» که این ذکر هم نوع قلبی و هم نوع قلبی را شامل می‌شود.

مسئله با داشتن افرادی مطمئن و آرام که در کارها به خداوند تکیه و اعتماد می‌کنند جامعه هر روز بیش از پیش استوارتر می‌گردد.

- «تعیین سرنوشت جامعه» -

«ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم»<sup>۱۴</sup>

یکی از پایه‌های اساسی جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در اسلام

است و اعلام می‌دارد مقدرات شما قبل از هر چیز و هر کس دست خود شماست و هر گونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود آنها بازگشت می‌کند.

آنچه اساس و پایه‌است این است که ملتی خود بخواد سربلند، سرافراز و پیروز باشد یا به عکس خودش تن به ذلت و زبونی دهد. حتی لطف خداوند یا مجازات او بی‌مقدمه دامن هیچ ملتی را نخواهد گرفت بلکه این اراده و خواست ملتها و تغییرات درونی آنهاست که آنان را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خداوند می‌سازد.

این اصل قرآنی که یکی از مهمترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند به ما می‌گوید هر گونه تغییرات برون‌متکی به تغییرات درونی ملتها و اقوام است و هر گونه پیروزی و شکستی که به گروهی رسید از همین جا سرچشمه می‌گیرد بنابراین آنها که همیشه برای تبریئه‌ی خویش به دنبال عوامل برون‌متکی می‌گردند و قدرتهای سلطه‌گر را همواره عامل بدبختی خود می‌شمارند سخت در اشتباهند چرا که اگر این قدرتهای جهنمی پایگاهی در درون یک جامعه نداشته باشند کاری از آنان ساخته نیست.

مهم آن است که پایگاه‌های سلطه‌گران و استعمارکنندگان و جباران در درون جامعه در هم کوبیده شود تا آنها هیچ گونه راه نفوذی نداشته باشند. آنها به منزله شیطانند و شیطان تنها بر کسانی چیره می‌شود که پایگاهی در درون وجود خود برای شیطان ساخته‌اند این اصل قرآنی می‌گوید برای پایان دادن به بدبختی‌ها و ناکامی‌ها باید دست به انقلابی از درون زد یک انقلاب فکری و فرهنگی یک انقلاب ایمانی و اخلاقی و به‌نگام گرفتاری در چنگال بدبختی‌ها باید فوراً به جستجوی نقاط ضعف خویش پرداخت و آنها را با آب توبه و بازگشت به سوی حق از دامن روح و جان جامعه شست. تولدی تازه پیدا کرد و نور و حرکتی جدید تا در پرتو آن ناکامی‌ها و شکست‌ها را به پیروزی مبدل ساخت.

### پی‌نوشت

- [۱] آیه ۹۲ سوره انبیاء
- [۲] آیه ۱۲۴ سوره بقره
- [۳] آیه ۱۰۸ سوره یوسف
- [۴] آیه ۱۱۱ سوره انعام
- [۵] آیه ۳۶ سوره یونس
- [۶] آیه ۱۰۳ سوره مائده
- [۷] آیه ۲۲۳ سوره شعراء
- [۸] آیه ۱۰۳ سوره مائده
- [۹] آیه ۱۰۰ سوره بقره
- [۱۰] آیه ۲۷ سوره ابراهیم
- [۱۱] آیه ۴ سوره ممتحنه
- [۱۲] آیه ۱ سوره حجرات
- [۱۳] آیه ۹۹ سوره یوسف
- [۱۴] آیه ۱۱ سوره رعد